

# گفتگو



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رساله جامع علوم انسانی



تهیه کننده: آزیتا همدانی

# گفت و گویا

ژوئیه ۱۳۹۴

## دکتر ورژپار سادانیان

دکتر ورژپار سادانیان یکی از استادان و شرق شناسان برجسته ارمنستان است که امسال به مناسبت شانزدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران به دعوت این مرکز به ایران آمده بود. ایشان کتاب‌های بسیاری در زمینه‌های مختلف ادبی از نمایشگاه کتاب خریداری و از این اقدام فرهنگی و ارزشمند مرکز قدردانی کردند. به همین منظور گفتگویی با ایشان ترتیب داده‌ایم:

\*\*\*

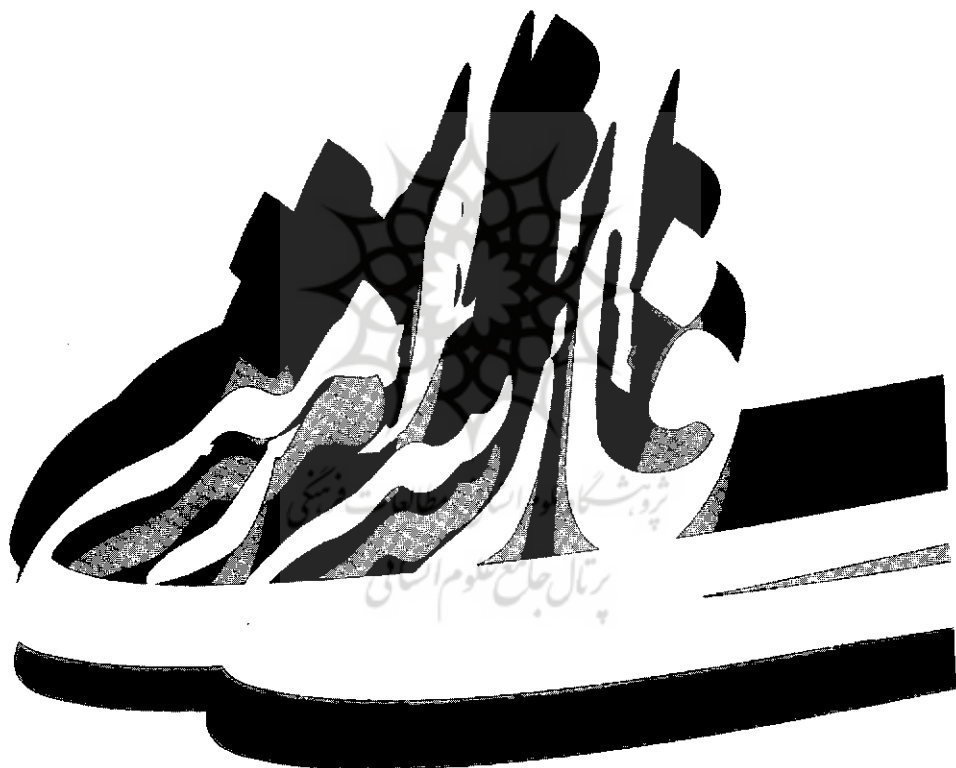
♦ آقای دکتر پار سادانیان لطفاً خود را معرفی بفرمایید.

من متولد سال ۱۳۲۴ شمسی در تهران هستم. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران گذراندم و تحصیلات عالی را در ارمنستان در رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشکده

شرق‌شناسی دانشگاه دولتی ایروان. ازدواج کردم یک دختر و یک پسر دارم. الان نیز دانشیار زبان فارسی دانشگاه هراچیا آچاریان و رئیس گروه زبان‌ها و ادبیات شرقی و معاون دانشکده زبان و ادبیات فارسی دانشکده شرق‌شناسی هستم.

◆ از چه زمانی در ارمنستان به تدریس زبان و ادبیات فارسی مشغولید؟

من مؤسس زبان فارسی در دانشگاه هراچیا آچاریان هستم و از بدو تأسیس تاکنون در آنجا تدریس می‌کنم. در دبیرستان ۵۹ نیز که قدیمی‌ترین دبیرستان ارمنستان از نظر آموزش زبان و ادبیات فارسی است و بیش از ۲۰ سال سابقه دارد تدریس می‌کنم. در یکی دیگر از دبیرستان‌های ارمنستان من اولین کسی بودم که کلاس فارسی راه انداختم. در واقع از سال‌های بعد از فوق لیسانس در چندین دانشگاه، زبان فارسی تدریس کردم. یکی از آنها متعلق به کردهای ارمنه بود و بعد به طور دائمی در دبیرستان ۵۹ و الآن هم فقط در دانشگاه آچاریان.



◆ سابقه تأسیس دانشگاه آچاریان به چه زمانی برمی‌گردد؟

دانشگاه هراچیا آچاریان ۱۳ سال سابقه دارد و یکی از دانشگاه‌های خصوصی است که از طرف دولت معتبر شناخته شده است. در دومین سال تأسیس آن، زبان فارسی به عنوان زبان دوم در آنجا راه‌اندازی شد. سه سال بعد از آغاز فعالیت زبان فارسی، موافقت‌نامه‌ای بین دانشگاه آزاد ایران و آنجا به امضاء رسید، متقابلاً در دانشگاه آزاد نیز زبان و ادبیات ارمنی

تأسیس شد. به دنبال امضاء موافقت نامه، دانشگاه را گسترش دادیم و دانشکده شرق شناسی تأسیس کردیم که تدریس دو زبان فارسی و عربی در آنجا دایر است و در نظر داریم در آینده زبان ترکی نیز تدریس کنیم.

◆ سیستم آموزشی در دانشگاه‌های ارمنستان به خصوص در این دانشگاه چگونه است؟

تا امسال سیستم آموزشی همان سیستم شوروی سابق بود، اما از امسال قرار است سه مقطع لیسانس و فوق لیسانس و دکتری بگذاریم. الآن در این دانشگاه دو مقطع لیسانس . فوق لیسانس یکی است و حدود ۱۰۰ دانشجو داریم و می‌خواهیم از ماه سپتامبر برای فارغ التحصیلان، دوره دکتری بگذاریم. دانشکده شرق شناسی نیز دو گروه دارد: گروه زبان‌ها و ادبیات شرقی که ریاست آن با بنده است و گروه شرق شناسی که مضامین تاریخ اسلام و ایران در آنجا تدریس می‌شود.

◆ آقای دکتر شما فرمودید متولد تهران هستید. علت مهاجرت شما به ارمنستان چه

بوده و از چه زمانی به آنجا رفته‌اید؟

عرق به وطن! تهران زادگاه من است و ارمنستان وطن من. پدران من ارمنی‌الصل هستند، ارمنی‌های زیادی در ایران بوده و هستند. سال آینده چهارصدمین سالگرد زندگی ارمنی‌ها با ایرانیان است. ما نیز جزء این دسته بودیم. من دبیرستان را نیز در تهران خواندم و بعد برای ادامه تحصیل به مسکو رفتم. دبیرستان را در مدرسه‌ای که خاص ارمنی‌ها بود و در خیابان نادری قرار داشت تمام کردم. خوب یادم هست نام دبیرستان «کوشش پسران» بود و کلیسای قدیم آرامنه نیز در آن خیابان قرار دارد، الان هر وقت که به ایران می‌آیم به یاد آن خیابان و مدرسه می‌افتم، مدرسه هنوز باقی است و به سراغ همکلاسی‌هایم می‌روم و با آنها ملاقات می‌کنم.

◆ آقای دکتر لطفاً گوشه‌ای از خاطرات آن دوران را برای ما و خوانندگان مجله نقل کنید.

من خاطرات زیادی از ایران دارم و بهترین خاطره‌ام نیز درس خواندن در محضر دبیران و استادان خوبی است که در دبیرستان به ما درس می‌دادند. من همیشه به یاد آنها هستم و همیشه به دانشجویان خود می‌گویم که ما از برکت استادان و معلمین خوب، عاشق زبان و ادبیات فارسی شدیم.

◆ از تألیفاتتان بگوئید و از رساله کارشناسی‌ارشد و دکتری.

در طول تدریس در دبیرستان و دانشگاه کتاب‌ها و مقالاتی نوشته‌ام، در تألیف کتاب‌های درسی دبیرستان عضویت داشته‌ام. از مؤلفین چهار کتاب درسی هفتم تا دهم دبیرستان‌های ارمنستان هستم؛ الآن این کتاب‌ها در بعضی از دانشگاه‌ها هنوز تدریس می‌شود. در دو پایان

نامه‌ام روی زبان و ادبیات فارسی کار کرده‌ام. مقالات متعددی نیز در موضوعات مختلف به خصوص زبان دَری افغانستان نوشته‌ام؛ زیرا سال‌های زیادی حدود ۱۰ سال در افغانستان به عنوان مترجم کار کرده‌ام، از سال ۱۹۶۸. در آنجا بیشتر توانستم مطالعه کنم، پس روی زبان دَری افغانستان کار کردم تفاوت‌های آنرا با فارسی ایران جمع کردم و حدود ۳۵۰۰ واژه را از جهات مختلف آوایی، دستوری، تلفظی و معنوی بررسی و تفاوت‌ها را بیان کردم. این کتاب اکنون چاپ شده و در اختیار فارسی دوستان و محققان زبان دَری قرار دارد. در واقع یکی از ضمایم رساله دکتری من این کتاب بوده است که می‌خواهم آنرا به فارسی نیز برگردانم. لازم است اینجا بگویم که در ارمنستان کسی تا حالا روی زبان دَری کار نکرده است و اینگونه فرهنگ به این شکل تا کنون در هیچ جا چاپ نشده است و من این تفاوت‌ها را فقط از طریق گویش و شنیدن و مطالعه پی برده‌ام. یک فرهنگ دیگر نوشته‌ام که لغات اقتصادی ارمنی - فارسی و روسی - فارسی در آن آمده است و حدود ۷۰۰۰ لغت دارد؛ اما هنوز چاپ نشده است. آثاری را نیز ترجمه کرده‌ام، از جمله: راه و راز و خانه پسدری از سعید نفیسی که از فارسی به ارمنی ترجمه کرده‌ام و به زودی چاپ می‌شود. درصدد تدوین منتخبات زبان فارسی برای دانشجویان، همچنین دستور زبان فارسی به زبان ارمنی هستم البته دستوری قبلاً چاپ شده اما سبک قدیم است و من دستور جدیدی نوشته‌ام.



◆ آقای دکتر باتوجه به اینکه شمابر روی زبان دَری افغانستان کار کرده‌اید و فارسی نیز رشته اصلی و در واقع زبان شماست، اگر بخواهید در یک جمله تفاوت فارسی دَری افغانستان و فارسی ایران را بیان کنید چه می‌گویید؟

فارسی ایران تنظیم کننده زبان‌های دَری، فارسی و تاجیکی است. آنها بیشتر از ریشه‌های قدیمی زبان استفاده کرده‌اند؛ اما فارسی ایران متحول شده و در واقع به سمت زیبایی بیشتر رفته است.

◆ فرمودید با فارسی تاجیکی نیز آشنا هستید؟

نه زیاد؛ فقط می‌فهمم، دری افغانستان را زودتر می‌فهمم. تاجیکی تأثیر آوایی بیشتری از زبان‌های دیگری گرفته است؛ حروف آنها نیز روسی است؛ اما فارسی خوانده می‌شود. خواندن آن مشکل است. آنها خودشان الفبا نداشتند پس الفبای فارسی را به الفبای روسی تبدیل کردند.

◆ آقای دکتر؛ آیا دانشگاه هراچیا آچاریان کتابخانه‌ای در زمینه زبان و ادبیات فارسی دارد؟

بله، کتابخانه دانشگاه اتفاقاً بسیار غنی است و بالغ بر ۳۵۰۰ جلد کتاب در زمینه زبان و ادبیات فارسی داریم. سال گذشته یک اتاق ایران‌شناسی تأسیس کردیم که آنجا هم در حدود ۱۵۰۰ جلد کتاب جدید در دسترس ما گذاشته‌اند و بجاست که همین‌جا از سفارت و رایزنی محترم ایران در ارمنستان تشکر کنم که به همت آنها ما دارای کامپیوتر، تلویزیون و کتابخانه غنی شده‌ایم.

◆ مجله چگونه؟ آیا مجله‌ای در دانشگاه در این زمینه چاپ می‌شود؟

دانشگاه مجله خاصی ندارد؛ اما مجله «مهر» که مربوط به باشگاه فرهنگی ایران در ارمنستان است در اختیار دانشجویان قرار می‌گیرد. مجله «سخن عشق» نیز بسیار برای دانشجویان و استادان مورد نیاز و مفید است. مجله‌ای دیگر نیز در ایران چاپ می‌شود به نام «آراکس» که سه دو زبان ارمنی و فارسی است و به ارمنستان می‌آید و دانشجویان و استادان از آن استفاده می‌کنند.

◆ آقای دکتر لطفاً اگر پیشنهاد یا انتقادی برای مسئولان دارید بفرمایید.

ما شدیداً به کتاب نیاز داریم و پیشنهاد می‌کنم امکان تأسیس یک کتاب‌فروشی در زمینه زبان و ادبیات فارسی با قیمت مناسب در ارمنستان ایجاد شود و کتاب‌های جدید و مفید ادبیات فارسی به آنجا ارسال شود و به صورت فروشی در اختیار محققان و استادان و دانشجویان زبان و ادبیات فارسی قرار گیرد. البته ما تا اندازه‌ای از طریق رایزنی و سفارت تأمین می‌شویم؛ اما این کافی نیست. کتاب‌های درسی ما آزفا، فارسی دلیذیر و آسان و کتاب‌های دبستان ایران است که هم روش‌ها در آن قدیمی است و هم نیاز دانشجویان را برآورده نمی‌کند.

◆ دفتر مجله پیام شما را به گوش مسئولان مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی خواهد

رساند، لطفاً اگر صحبت دیگری دارید بفرمایید.

من می‌گویم تا جان در بدن دارم در خدمت زبان و ادبیات فارسی هستم و تمام زنگ‌های تفریح من در اختیار دانشجویان زبان و ادبیات فارسی در ارمنستان است.